بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اوّلیّه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

آیا در آخرالزّمان قبله از مکّه به کربلا منتقل می‌شود؟

کلمات کلیدی: آخرالزّمان، قبله، مکّه، کربلا، کعبه، اقبال قلب، اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام، حجّت خدا.

امروز در افواه مشهور است که می‌گویند در آخرالزّمان حجّت خدا که ظهور می‌کنند، قبله را از کعبه به‌سمت کربلا برمی‌گردانند. البتّه روایت و حدیثی در این زمینه وجود ندارد؛ امّا این در افواه هست و معنای درستی هم برای آن وجود دارد. به این معنا نیست که وقتی حضرت ظهور می‌کنند، می‌گویند نماز را به‌سمت کربلا بخوانید. قبله محلّ اقبال قلب است؛ کانون توجّه انسان است؛ محلّی است که وقتی انسان می‌خواهد با خدا ارتباط برقرار کند، به آن سمت توجّه می‌کند؛ قبله‌ی حقیقی آنجاست. اینکه در آخرالزّمان قبله به کربلا منتقل می‌شود، یعنی محلّ اقبال قلوب و محلّی که دل‌ها متوجّه آنجا می‌شود تا به خدا وصل شود. در دعای ندبه می‌خوانید: اَیْنَ وَجْهُ اللهِ الَّذِی اِلَیْهِ یَتَوَجَّهُ الْاَوْلِیاءُ؛[1] آن وجه خدایی که اولیاء به او توجّه می‌کنند، حجّت خداست. در زیارت جامعه‌ی کبیره هم فرازهای متعدّدی وجود دارد که متضمّن همین معناست: مَنْ اَرادَ اللهَ بَدَأَ بِکُمْ: کسی که خدا را اراده کرده، از شما آغاز می‌کند. وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ اِلَیْکُمْ:[2] کسی که خدا را قصد کند، به‌سوی شما توجّه می‌کند. امروز می‌بینید که این حقیقت به چه وضوحی دارد آشکار می‌شود. این جمعیّت قریب به بیست میلیون نفر که خود

---

۱. سیّدبن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷ و محدّث‌قمّی، مفاتیح‌الجنان، دعای ندبه.

۲. صدوق، من‌لایحضر، ج ۲، ص ۶۱۵؛ ابن‌مشهدی، مزارالکبیر، ص ۵۳۲ و محدّث‌قمّی، مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره.

حکومت عراق آمار داده که امسال کربلا زائر دارد، اصلاً غیرقابل تصوّر است! شما شهر کربلا را دیده‌اید؛ اصلاً شهری نیست که بتواند جمعیّت بیست میلیونی را در خودش پذیرا باشد. چه معجزه‌ای دارد رخ می‌دهد و چه اتّفاق عجیبی دارد می‌افتد! این اقبال قلوب به‌سمت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام ان‌شاءالله بشارتگر نزدیکی ظهور حجّت خداست.

صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ وَ صَلَّی اللهُ عَلَیْكَ یا اَباعَبْدِاللهِ[۳]

۳. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل‌الشّیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.